

## یادداشت

## تله‌های امنیتی چیست؟



عبدالناصر نورزاد

استاد پیشین دانشگاه کابل

تله‌های امنیتی در واقع، اقدامات امنیتی شده، استخباراتی و سازماندهی شده برای ایجاد درگیری و تنش‌های نظامی، میان کشورهایی است که در یک محدوده جغرافیایی از لحاظ امنیتی، سیاسی و اقتصادی، محصورند و دارای میزان آسیب‌پذیری مشابه در برابر حوادث امنیتی هستند. همزمان با آن، وابستگی متقابل امنیتی به علت تهدیدهای امنیتی فراگیر و عمومی، این جغرافیا را به هم پیوست داده و در ذیل یک دینامیک امنیتی قرار می‌دهد. در تله‌های امنیتی، بازیگران دولتی و غیر دولتی می‌توانند نقش بازی کنند و تاثیر نقاط آسیب‌پذیر از لحاظ امنیتی، اطلاعاتی و موجودیت تهدیدهای بالقوه امنیتی، بر آن بیشتر محسوس است. در تله‌های امنیتی، میزان روابط میان دولت‌ها، گروه‌ها، سازمان‌ها و نیروهای بالقوه و بالفعل که به لحاظ عملیاتی و نظامی دارای ظرفیت بلندند و می‌توانند تأثیری در دینامیک امنیتی داشته باشند، مد نظر گرفته می‌شود. نقاط آسیب‌پذیر هر یک از بازیگران امنیتی دولتی و غیر دولتی، با مشاهده حساسیت‌های موجود در نزد آن‌ها، می‌تواند به میزان کارایی هر تله‌ای امنیتی، تأثیر قابل ملاحظه‌ای داشته باشد. در تله‌های امنیتی تعبیه شده در برنامه‌های دولت‌های بزرگ که هدف آن شکستنده ساختن ثبات سیاسی و سطح تأمین امنیت در یک منطقه مشخص است، ابزارهایی مانند ایجاد معمای امنیتی، فراهم ساختن فضا برای شعله و ساختن درگیری‌های خونین، استفاده از نیروهای نیابتی و دارای روحیه جنگی، استفاده می‌شوند. در تله‌های امنیتی، معمولاً هدف منحرف ساختن اندیشه استراتژیک رقباست که اخیراً در بازی‌های امنیتی و نظامی، توفیقاتی داشته‌اند. پس به میزان کارایی و اثرگذاری ایجاد فضای سوء اعتماد از لحاظ امنیتی و سیاسی، تله‌های امنیتی، تصمیمی از موفقیت این روند را نشان می‌دهند. به عبارتی؛ هر اندازه که تله‌های امنیتی، صورت مشخص، جدی و ظاهراً هر از تهدیدهای امنیتی را داشته باشند، واکنش دولت‌های در تله افتاده، شدید خواهد بود و این به ایجاد تنش و درگیر ساختن آنها کمک فراوانی می‌کند و موفقیت تله‌ای امنیتی را نشان می‌دهد. در تله‌های امنیتی، معمولاً اجندهای سیاسی، ابتدا سازماندهی امنیتی می‌شوند و بعداً در قالب نظریه امنیتی ساختن و پیر از تهدید نشان دادن آن، اجرایی می‌شوند. در پس چنین دیدگاهی‌های امنیتی شده است که دشمن در تله افتاده، تمام توان، انرژی و قابلیت‌ها و تمرکز خود را صرف مسائلی می‌کند که به آن اصلاً مربوط نمی‌شود و در برابر دشمن اصلی خود، بی‌توجه می‌ماند. اساساً تله‌های امنیتی، در شرایط بحرانی، بی‌ثباتی سیاسی و بروز تهدیدهای متعارف و غیر متعارف امنیتی، اجرایی می‌شوند. در تله‌های امنیتی، راه‌اندازی یک جنگ تمام عیار، متعارف، ترکیبی و ادراکی به اساس نظریه‌ساز انگاری، که به موجب آن، ذهنیت دوستی و دشمنی به وجود می‌آید، هدف نهایی محسوب می‌شود. یعنی به میزانی که درز و انشعاب در صف دشمنان، به وجود آید، تله‌های امنیتی، کارسازتر، عادی‌تر و معمولی‌تر جلوه می‌کنند. آنچه در مورد ذهنیت‌ساز انگارانه در مسیر جداسازی صفوف دشمن از دوست مطرح است؛ تله‌های امنیتی ابتدا به اساس واردیت شکل داده شده به تفکر سیاسی و جنگی دشمنان و ذهنی می‌شوند و بعداً با وجود سخت افزاری، به یک رویکرد بی‌بدیل مبدل می‌شوند که دشمن نیز متوجه حساسیت و ماهیت موضوع نمی‌شود. در دنیای امروز، قدرت‌های بزرگ از اینکه قدرت مطلق اعمال خواسته‌های هژمونیک و توسعه طلبانه خود را ندارند، به اعمال ترفند تله‌ای امنیتی، تمایل بیشتر دارند. نمونه‌های فراوانی از طراحی تله‌های امنیتی در دو جنگ جهانی، جنگ سرد، جنگ شش روزه اعراب، جنگ‌های بالکان، خاورمیانه، جنوب آسیا و اخیراً جنگ میان اوکراین و آذربایجان مشاهده می‌شود.

## نگاه

آذری جهرمی:

## ایران مردمان خوش‌رادریایم

محمد جواد آذری جهرمی، وزیر پیشین ارتباطات در کانال تلگرامی خود نوشت: شاید این روزها باید یاد کنیم از ادعاهای پرطمطراق برخی مجلس‌نشینان، صاحبان سخن و دولتمردان فعلی (بخوانید منتقدان و اوایل‌کنندگان در دولت قبیل)، که با طرح نقدهایی مکرر بر تعاملات بین‌المللی دولت یازدهم و دوازدهم و بویژه برجام، این امید را برای برخی متدینین به وجود آورده بود که با تمام شدن دولت قبیل، مدینه فاضله ساخته می‌شود؛ زندگی طعم غسل می‌گیرد و مشکلات دود می‌شوند. القمه بنده خدایی که حالا وزیر است آن روزها می‌گفت دولت دوازدهم اگر تمام شود، هیچ اتفاقی هم که نیفتد و به هیچ چیزی هم دست زده نشود، ۱۵ درصد تورم افت می‌کند! دیگری از جنبش انقلابی-اقتصادی بودن خودش و تیمش می‌گفت و آن روزها نگران باز شدن در پختال بازنستسته‌های عزیز بود. زیاد است از این قصه‌ها... بگذریم... شما بگویید نتیجه حاصله از آن حرف‌ها چه بود؟ کاش یکی از مهان‌ها با بگوید چه پاسخی برای متدینین و خانواده شهید دارند؟ اینبار مقصر کیست؟ مگر نگفتید تعامل بین‌المللی دولت قوی می‌خواهد و قوی یعنی ما و لایغر؛ مگر دنبال سیاست همسایگی! نبودید؟ به گمانم امروز باید این دعاها را کنار گذاشت. به عنوان کسی که درگیر اجرا بوده، مقداری از مشکلات متعددی که مسئولین اجرایی با آن درگیرند را درک می‌کنم. سرزنش نمی‌کنم، قطعاً این شرایط برای این عزیزان هم مطلوب نیست و درک کرده‌اند بین شعار و عمل فاصله زیادی است و هیچ معجزه‌ای در کار نیست! ما محکومیم به پذیرفتن واقعیت‌های تلخ؛ تجربه ۴۰ ساله از اشتباهات و موفقیت‌ها، منبع بی‌ظنری است از یادگیری. و به زعم من گرچه وقت تنگ است ولی هنوز فرصت یادگیری و به کار بستن رادریایم، اگر اراده‌ای باشد... ایران و مردمان خوش‌رادریایم...

چهارشنبه  
۱۱ • ۱۱ • ۱۴۰۲

سال پنجم  
شماره ۱۷۵۹

۱۹ رجب ۱۴۴۵ / ۳۱ ژانویه ۲۰۲۴

armanmeli.ir

**مجید ابهری در گفت و گو با «آرمان ملی»:**

# نباید اجازه داد سرمایه‌های ملی از کشور مهاجرت کنند

**دوران مهاجرت به دلایل مسائل اقتصادی به پایان رسیده است**

**کشورهای توسعه یافته آغوش خود را برای مهاجرت نخبگان ایرانی باز کرده‌اند**

**آرمان ملی - احسان انصاری:** «امروز مفهوم زندگی برای مردم کشورهای جهان حائز اهمیت است. اینکه افراد از زندگی خود لذت ببرند. این در حالی است که این وضعیت در کشور ما وجود ندارد و افراد احساس می‌کنند به دلایل مختلف از زندگی خود لذت نمی‌برند. در واقع کسانی که مهاجرت می‌کنند گمشده‌ای به نام مفهوم زندگی دارند. اساسی‌ترین انگیزه خروج نخبگان جست‌وجوی عزت اجتماعی است. فردی که ایران را ترک می‌کند، معمولاً در کشور مقصد، چیزی به عنوان تبعیض و ویژه‌خواری مشاهده نمی‌کند و به راحتی و بدون دغدغه می‌تواند به درجات عالی تحصیلی و شغل و درآمد مناسب برسد.» جملات ذکر شده اظهارات دکتر مجید ابهری رفتارشناس اجتماعی در گفت‌وگو با «آرمان ملی» است. ابهری در این گفت‌وگو به مهم‌ترین دلایل مهاجرت نخبگان از کشور پرداخته که در ادامه می‌خوانید.

**چرا تمایل به مهاجرت در کشور نسبت به گذشته افزایش پیدا کرده است؟**

مهاجرت نخبگان از کشورهای در حال توسعه‌ای از آسیب‌های اساسی بر پیکره علمی، تخصصی و اقتصادی است که کشورمان نیز از این قاعده جدا نیست. کشورمان در چند سال اخیر از فرار مغزها چندین برابر جنگ تحصیلی صدمه اقتصادی دیده و حتی گفته می‌شود که این موضوع، دو برابر درآمد نفتی به اقتصاد جامعه ضرر می‌زند. هر سال چندین هزار ایرانی با توانایی فکری بالا یا مدارج تحصیلی عالی از کشور خارج می‌شوند و ضررهای هنگفتی را نصیب جامعه می‌کنند. باید توجه داشت که عدم رفاه اجتماعی، امکانات آموزشی قابل توجه و رفاه اقتصادی از عوامل اصلی محرک در خروج نخبگان است. اما از اصلی‌ترین دلایل می‌توان از عزت اجتماعی نام برد. دلیل این موضوع این است که برخی از تحصیلکرده‌ها و متخصصان وضعیت اقتصادی و مالی خوبی در کشور دارند اما با این وجود علاقه مند به مهاجرت می‌باشند. از سوی دیگر آغوش باز جوامع اروپایی و آمریکایی در خروج نخبگان از کشور بی‌تأثیر نبوده است. در میان برخی بر این باورند که تخصصی که می‌خواهد از کشور خود برود همان بهتر که مهاجرت کند. این حرف از نظر احساسی درست است اما به موازات این گونه افکار برخی دیگر، نگاه فرا جغرافیایی دارند و معتقدند یک فرد نخبه و کارشناس متخصص در هر کجای دنیا که باشد برای بشریت مفید است. از نگاه اقتصادی ۸۰ درصد ثروت کشور نیروی انسانی و مابقی منابع طبیعی است که باید بسیار مورد توجه قرار بگیرند. امروز دنیا به این واقعیت رسیده که متخصصان ایرانی از خلبانان و پزشکان گرفته تا مهندسان و تکنیسین‌ها همگی دارای استعداد و قدرت فکری بسیار بالایی بوده‌اند همین‌رواست که سعی در جذب آنها با هر ترفندی دارند. از طرفی باید این حقیقت را بپذیرفت که در صورت تداوم مهاجرت نخبگان، زیان‌های زیادی را به جامعه وارده کرده که غیرقابل جبران خواهد بود. بنابراین دولت باید با تشکیل کارگروه ویژه، اقدام به ایجاد بسته‌های تشویقی برای متخصصان مهاجر کرده و قطب‌های جذاب برای آنها ایجاد کند و بعضی از مواردی که ممکن است مورد دلزدگی آنها شود را از میان بردارد.

**چرا نبود عزت اجتماعی را مهم‌ترین عامل افزایش مهاجرت می‌دانید؟**

امروز مفهوم زندگی برای مردم کشورهای جهان حائز اهمیت است. اینکه افراد از زندگی خود لذت ببرند. این در حالی است که این وضعیت در کشور ما وجود ندارد و افراد احساس می‌کنند به دلایل مختلف از زندگی خود لذت نمی‌برند. در واقع کسانی که مهاجرت می‌کنند گمشده‌ای به نام مفهوم زندگی دارند. اساسی‌ترین انگیزه خروج نخبگان جست‌وجوی عزت اجتماعی است. فردی که ایران را ترک می‌کند، معمولاً در کشور مقصد، چیزی به عنوان تبعیض

**در موضوع فرار مغزها، درصد خروج از کشور اهمیت چندانی ندارد. نکته مهم این است که برای تربیت یک نخبه میلیاردها تومان سرمایه کشور هزینه شده است. همچنین دوران تحصیل دانش‌آموزان علاوه بر هزینه، پراسترس است و همچنین دانش‌آموزان برای گذراندن این دوران و شرکت در کنکور، استرس دوچندانی را متحمل می‌شوند، پس از فارغ‌التحصیلی با بی‌توجهی مواجه شده، به فکر رفتن به خارج از کشور می‌افتند. در مراجعه نخبگان و اساتید به کشورهای کانادا، آمریکا و انگلستان می‌توان بررسی کرد که چه فاجعه بزرگ فرهنگی و علمی در جامعه اتفاق افتاده است**

**در صورت تداوم مهاجرت نخبگان، زیان‌های زیادی را به جامعه وارد کرده که غیرقابل جبران خواهد بود. بنابراین دولت باید با تشکیل کارگروه ویژه، اقدام به ایجاد بسته‌های تشویقی برای متخصصان مهاجر کرده و قطب‌های جذاب برای آنها ایجاد کند و بعضی از مواردی که ممکن است مورد دلزدگی آنها شود را از میان بردارد**

و آمریکایی با بورس‌های تحصیلی، فرزندان نخبه ما را به سوی خود جلب و جامعه را از وجود آنها محروم کنند. جذب نخبگان به قطب‌های علمی و تخصصی غربی، خیانتی ناخوشودنی است و باید هر چه سریع‌تر زمینه‌های خروج نخبگان از کشور و حذف مشوق‌های علمی و تخصصی آنان رشد و تکامل یابند. همچنین لازم است تا مراکز علمی با دعوت اساتید نخبه ایرانی که در حال حاضر در مراکز علمی خارجی مشغول به کارند و با ارائه امکانات مورد نیاز به آنان دانشگاه‌های کشور را از خلأ علمی رهایی بخشد.

**برای جلوگیری از افزایش میزان مهاجرت‌ها چه باید کرد؟**

در موضوع فرار مغزها، درصد خروج از کشور اهمیت چندانی ندارد. نکته مهم این است که برای تربیت یک نخبه میلیاردها تومان سرمایه کشور هزینه شده است. همچنین دوران تحصیل دانش‌آموزان علاوه بر هزینه، پراسترس است و همچنین دانش‌آموزان برای گذراندن این دوران و شرکت در کنکور، استرس دوچندانی را متحمل می‌شوند، پس از فارغ‌التحصیلی با بی‌توجهی مواجه شده، به فکر رفتن به خارج از کشور می‌افتند. در مراجعه نخبگان و اساتید به کشورهای کانادا، آمریکا انگلستان می‌توان بررسی کرد که چه فاجعه بزرگ فرهنگی و علمی در جامعه اتفاق افتاده است، چرا که تربیت یک جراح، مهندس، شیمیدان و ریاضیدان موضوع ساده‌ای نیست. در ایران به طور شایسته و بایسته منزلتی برای نخبگان قابل نمی‌شوند از این جهت آنها ترجیح می‌دهند در جایی کار و زندگی کنند که احترام لازم را احساس کنند. ضمناً تبعیض ناشی از زانت و پارتی بازی که گاهی یک فرد بدون تخصص و تحصیلات بر تعدادی تحصیلکرده و دانشگاه دیده سرپرست می‌کنند، باعث دلزدگی و ناراحتی تحصیلکردگان می‌شود. نخبگان صرفاً به دنبال مسائل مالی از کشور خارج نمی‌شوند؛ هر چند برای اداره زندگی خود نیاز به پول دارند، اما منزلت اجتماعی برای آنها حائز اهمیت است. بعضی از نخبگان شاغل و ساکن در کشورهای دیگر مشکل حضور خانواده همسر و فرزند خود را در ایران دارند. اغلب آنها فرزندان‌شان در مدارس انگلیسی زبان تحصیل کرده‌اند و بسیار دشوار است که در مدارس ایرانی درس بخوانند. باید اینگونه مشکلات مورد توجه قرار گیرد. امکانات زندگی و رفاهی مطابق ضمناً و شخصیت نخبگان در اختیار آنها قرار بگیرد. آنگاه خواهیم دید بسیاری از این نخبگان علمی با کمال میل با آغوش باز به کشور بازمی‌گردند چرا که بسیاری از آنها یک ساعت حضور در ایران به یک سال زندگی در غرب ترجیح می‌دهند و عشق و علاقه این افراد به کشور غیرقابل انکار است. این در حالی است که باید زمینه‌سازی فرهنگی و اجتماعی اجرا شود و بدون توجه به بحث و جدل در مورد تعداد مهاجران زمینه‌های لازم برای بازگشت آنان فراهم شود بسیاری از این نخبگان دوران بازنشستگی خود را سبزی می‌کنند و حاضرانند تجربه و تخصص خود را در اختیار فرزندان کشور خود قرار دهند. دولت باید در این زمینه حتماً کاری انجام دهد، چرا که برای تربیت متخصصان دیگران امکانات علمی، تحصیلی و تخصصی مانند گذشته فراهم نیست. پس این سرمایه‌های ملی باید هر چه زودتر به خانه خود بازگردند.

## خبر

## رشد نقدینگی باید متوقف شود

**ادامه از صفحه ۲ |** حضرت آیت‌الله خامنه‌ای «ابتکار» را واقعیت بارز نمایشگاه دیروز و جلسه امروز دانستند و گفتند: ابتکار، نشان دهنده نیروی انسانی نخبه است و وجود نیروی انسانی نخبه به عنوان ثروتی عظیم، تکیه‌گاهی مطمئن در گره‌گشایی مسائل کلان، پیمودن راه‌های دشوار و رسیدن ایران به اوج خواهد بود. مقام معظم رهبری، ناترازی در مسائلی مانند آب، سوخت، برق و عرصه‌های دیگر را مانع کارهای بزرگ خواندند و افزودند: نیروی انسانی نخبه بخش خصوصی می‌تواند در این زمینه‌ها، حقیقتاً گره‌گشایی کند که این، نیاز به برنامه‌ریزی درست برای استفاده از ظرفیت فکری و عملی این بخش دارد. ایشان فعالیت در عرصه‌های مختلف بالادستی نظیر نفت و فولاد و گاز تا مشاغل هم‌چون صنایع دستی را نمایانگر زمینه‌ساز گسترده مشارکت بخش خصوصی دانستند و گفتند: دست‌ان پر قدرت و انگششان مبتکر فعالان این بخش‌ها، با افزایش اشتغال و کاهش فقر هم منجر خواهد شد. مقام معظم رهبری احساس مسئولیت توأمان دولت و فعالان اقتصادی را لازمه استفاده بهینه از ظرفیت سرمایه‌های مردمی برشمردند و گفتند: مسئولیت دولت عموماً متوجه رفیع‌موانع و بهبود فضای کسب و کار است. ایشان ابراز نارضایتی برخی تولیدکنندگان در بازدید دیروز رهبری از نمایشگاه را نشان دهنده عمل نکردن دولت به تذکراتی دانستند که سال گذشته در چنین دیداری خطاب به دولتمردان بیان کرده بودند. مقام معظم رهبری تأکید کردند: مسئولان دولتی باید به جد مسئله بهبود فضای کسب و کار را دنبال و موانع را برطرف کنند. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای نظارت دولت را مکمل حمایت از بخش خصوصی برشمردند و گفتند: این نظارت که با دخالت متفاوت است، مطلقاً قابل اغماض نیست. برخی سوء استفاده‌ها در اجرای سیاست‌های اصلی ۴۴، نمونه‌ای از مشکلاتی بود که مقام معظم رهبری در تبیین معایب فقدان نظارت صحیح به آن اشاره کردند و گفتند: به همین علت در روند اجرای سیاست‌های اصل ۴۴، کارهای بی‌قاعده‌ای انجام شد که هم به بنگاه‌ها، هم به کشور و هم به مردم ضرر زد. ایشان در تبیین موانع موجود در فضای کسب و کار در دوران دولت، به مشکلاتی نظیر مراکز متعدد تصمیم‌گیری، تعارض تصمیم‌گیری در بخش‌های مختلف دولتی و طول کشیدن بی‌منطق صدور مجوز و فعالیت‌ها اشاره کردند و گفتند: به چه دلیل مذاکره برای فعالیت یک شرکت بخش خصوصی در صنایع بالادستی نفت باید ۳ سال طول بکشد یا بخش‌هایی مانند معدنی محیط زیست در فعالیت‌های بخش معدنی تصمیمات متعارض بگیرند؟ حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به عنوان نمونه دیگری از موانع دولتی کسب و کار به محدودیت منابع مالی در رتبه‌بندی کنترل نقدینگی اشاره کردند و افزودند: کاهش توقف رشد نقدینگی سیاست درستی است و تلاش‌های دولت در این زمینه تا حدی موثر بوده است، اما محدودیت ایجاد شده در منابع تخصیص بانک‌ها به فعالان تولیدی، نباید متوجه بنگاه‌های کوچک و متوسط شود؛ نه اینکه همین منابع محدود هم به شرکت‌های دولتی یا شرکت‌های خاص و زرنگ با ارتباطات گسترده داده شود که مدیریت اصلی حل این مشکل با بانک مرکزی است. مقام معظم رهبری تأکید کردند: موانع درون دولتی فضای کسب و کار باید با مشاوره در دولت، تصمیم‌گیری رئیس‌جمهور و مدیریت معاون اول، رفع شود. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای برخی موانع بهبود فضای کسب و کار را مربوط به بیرون دولت از جمله دستگاه قضائی یا قوای مسلح خواندند و گفتند: سران قوا در جلسه‌ای که با اختیارات لازم تشکیل می‌شود، اینگونه موانع را حل و فصل کنند و اگر به هر دلیلی نشد، به رهبری منتقل کنند. ایشان مسئولیت‌های بخش خصوصی را هم در روند استفاده بهینه از ظرفیت این بخش، مهم دانستند و گفتند: انضباط، رعایت ضوابط، پایبندی به قوانین و مقررات و سلامت کار جزو وظایف اصلی بخش خصوصی است که باید با نظارت دولت به آنها عمل شود. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای حمایت و پشتیبانی دولت‌های جهان از شرکت‌ها و بنگاه‌های بزرگ خود را از عوامل موفقیت آن شرکت‌ها دانستند و گفتند: یکی از کمک‌های ضروری دولت به بخش خصوصی، کمک به توسعه صادرات و بازارهای خارجی است که در این زمینه باید دیپلماسی اقتصادی با کار مشترک دولت و بخش خصوصی تقویت شود. ایشان با اشاره به وجود مشکلات خارجی مانند تحریم‌ها و خصومت‌های بدخواهان گفتند: این موارد بی‌تردید ضربه‌زننده است و برای کشور مشکلاتی ایجاد می‌کند اما از همین مسائل نیز می‌توان فرصت ساخت، همچنان‌که جوانان ما از این فرصت استفاده کردند و امروز به تسلیحات نظامی و یا دستاوردهای علمی خیره‌کننده‌ای مانند پیشرفت در بخش فضایی و پرتاب ماهواره‌ای مانند تریا دست پیدا کرده‌ایم که اگر تحریم‌ها نبود، امروز این دستاوردها را نداشتیم. مقام معظم رهبری در جمع بندی سخنان شان گفتند: اگر مدیریت لازم و حمایت صحیح از بخش خصوصی انجام شود پیشرفت چشمگیر ایران با توجه به ظرفیت بالا، ثروت طبیعی فراوان، نیروی انسانی نخبه و ارتباط خوب دولت و مردم، به واقعیتی ملموس تبدیل می‌شود.